

فاجعه چین و پیامدهای آن

حملات سنگین و بی‌رحمانه ارتش روسیه به جمهوری نوپای چین، به ویژه بمباران مناطق مسکونی شهر گروزنی که آن را به ویرانه‌ای تبدیل کرده است، از یک سو خبر از وجود بحران عمیق در روسیه در روند تحول به دموکراسی می‌دهد و از سوی دیگر نشانه‌ای از مخالفت و دشمنی روس‌ها با مسلمانان مناطق آزاد شده از سیطره شوروی سابق است.

مردم دلیر چین که از آخرین اقوامی بودند که پس از شکست ایران از روسیه به زیر سلطه روسیه تزاری کشیده شدند و پس از تسلط یافتن روس‌ها نیز مبارزه سختی را علیه اشغالگران روس ادامه دادند، به جهت دلاوری و رشادت خاص خود به صورت نمادهای قدرت و شجاعت روسیه درآمدند، به گونه‌ای که لباس‌های مردان جنگجوی چین و هنرهای رزمی آنان مظاهر مردانگی و شجاعت در روسیه گشتند. تاثیر عمیق فرهنگ مردم خطه چین و قفقاز را می‌توان در آثار نویسندگان برجسته‌ای چون تولستوی و یا در موسیقی و رقص مردانه لژگی و ... یافت. و نیز راسخ بودن در دین‌داری و پاسداری از شعائر قومی و فرهنگی و آزادی و استقلال‌طلبی این مردم دلیر را می‌توان در مبارزات شیخ شامل که سالیان دراز و تا هنگام شهادتش از حق‌طلبی باز نایستاد و الگوی برجسته آزادی و رشادت گشت، مشاهده کرد. همین شجاعت، آزادی و دینداری مردم چین خشم استالین را چنان برانگیخت که به کشتار گسترده مردم آن مرز و بوم دست زد و پس از آن با تقسیم‌بندی‌های ظاهراً قومی و در باطن تفرقه افکنانه «جمهوری»های شوروی سابق (به عنوان مثال، الحاق بخارا و سمرقند پارسی زبان به سرزمین‌های ترک‌زبان)، اقتدار مردم چین را در زمینه‌های گوناگون از آنان سلب کرد. با وجود این، سرزمین چین هرگز جزئی از امپراطوری روسیه نشد و در تقسیمات کشوری. استقلال قومی خود را حفظ نمود. به این ترتیب، برخلاف اظهار برخی از مسئولان سیاسی، جنبش فعلی مردم دلیر چین نه یک حرکت تجزیه‌خواهانه بلکه تلاشی برای حفظ استقلال و خودمختاری در چارچوب قانون فدراسیون روسیه است.

رهبران روسیه امروز که عمدتاً از همان گروه نخبگان یا به گفته میلوان جیلاس «طبقه جدید» وابسته به حزب کمونیست شوروی سابق هستند، اکنون با ابداع نوعی ناسیونالیسم مبتنی بر احیای شکوه امپراطوری تزاری به حفظ سلطه خویش برخاسته‌اند. این رهبران در راه زنده کردن امپراطوری گذشته و تحقق خواب‌های طلایی سلطه‌جویی خویش، جنبش‌های قومی، خاصه با انگیزه و رنگ اسلامی یا ایدئولوژی منبعث از آن را سد بزرگ و سختی می‌دانند که باید بر آن فایق آیند. به همین دلیل، هر جا که روس‌ها با نهضت‌های اسلامی روبرو شده‌اند با بیرحمی و ویرانگری کامل به رویارویی با آنها برخاسته‌اند. به عنوان مثال، آنها با سیاست یک بام و دو هوای خود از یک سو به سادگی به اوکراین پس از سیصد سال، آزادی و استقلال می‌دهند و از سوی دیگر جنایات وحشتناک و بی‌سابقه‌ای را علیه مردم مظلوم بوسنی - هرزگوین و جنبش‌های مردمی در تاجیکستان و ... مرتکب می‌شوند.

اینها تنها نمونه‌هایی از دشمنی و ویرانگری روس‌ها نسبت به مسلمانان می‌باشد. در مورد جمهوری چین، مبارزه پیگیر و طولانی (نزدیک به دو قرن) مردم آن بر شدت عمل و حساسیت روس‌ها افزوده است.

و اما برخوردهای اخیر و شکست‌های اولیه ارتش روسیه در اشغال گروزنی، میوه‌های تلخ دیگری را به شرح زیر به بار خواهد آورد:

۱) تسریع فروپاشی روسیه که پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن برای جهان بسیار سنگین خواهد بود.

۲) تضعیف دموکراسی و پایمال شدن احتمالی آن در کشاکش جنگ‌های قومی و مشکلات اقتصادی ناشی از آنها.

۳) رشد و قوت یافتن جناح‌های میلیتاریست روسیه و به تبع آن میلیتاریسم آمریکا که نتیجه آن به خطر افتادن همه کشورهای جهان از جمله ایران عزیز خواهد بود.

احساس عداوت با جنبش‌های اسلامی توسط جناح‌های ذی‌نفع وابسته به میلیتاریسم آمریکا، ناسیونالیسم‌های غربی و شرقی، صهیونیسم و عوامل آن گسترده شده و توسط نگرش‌های سطحی و نادرست و نامسلمانی‌ها و رفتارهای غیرمسئولانه برخی از به اصطلاح «آرمان‌گرایان اسلام» نیز دامن زده می‌شود به طور غیرمستقیم بر شدت و خشونت این جنگ‌ها افزوده، زمینه‌های سرکوب مردم دلیر چین را آماده‌تر کرده است.

نهضت آزادی ایران ضمن حمایت از خواست بر حق مردم چین برای آزادی و استقلال خود، کشتار وحشیانه و پایمال کردن بیرحمانه حقوق آنان را شدیداً محکوم می‌کند و سکوت و بی‌تفاوتی مجامع جهانی در این مورد و بی‌عدالتی‌های آشکار مشابه را گناهی نابخشودنی در پیشگاه عدل خداوند و تاریخ دانسته، از ملت‌ها، دولت‌ها، سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های جهانی می‌خواهد که با تمام نیرو و امکانات، دولت تجاوزگر روسیه را از ادامه جنایات ذکر شده باز دارند و احترام و آزادی مردم چین را بر طبق منشور فدراسیون روسیه رعایت نمایند.

نهضت آزادی ایران پیامدهای این سهل‌انگاری جهانی و بیرحمی و قساوت ارتش روسیه، به ویژه نیروی هوایی آن را فاجعه‌ای می‌داند که دامن‌گیر جهان خواهد شد و آثار شوم آن ممکن است به فروپاشی روسیه آزاد و ناکام ماندن آرمان‌ها و پژمرده شدن غنچه‌های آزادی و استقلال که پس از اختناق سیاه سالیان دراز گذشته شکفته شده است، منجر شود. در چنین صورتی، بحران‌هایی در جهان رخ خواهد نمود که نتایج گسترده سیاسی، اقتصادی و نظامی آنها تنها به منطقه‌ای کوچک و دیاری گمنام محدود نخواهد ماند.

تا زمانی که حقوق اقوام و ملل جهان توسط قدرت‌های سلطه‌جو پایمال گردد و آزادی و حقوق حقه مردم ستمدیده تشنه آزادی و استقلال نادیده گرفته شود، صلح و آرامش و سازندگی افسانه‌هایی بیش نخواهد بود.

به امید روزی که همه اقوام و ملل گیتی در سایه صلح و عدالت زندگی کنند.

نهضت آزادی ایران